

هرمان ملویل

تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
تاریخچه و زندگی نامه	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵

موبی دیک یا نهنگ بحر

ترجمه صالح حسینی



www.koodnasad.com

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

تاریخچه و زندگی نامه

www.koodnasad.com



انتشارات کودناد

۱۵۵	فصل بیستم: جنس و جوش همگانی
۱۵۸	فصل بیست و یکم: هیوار کشتی شدن
۱۶۲	فصل بیست و دوم: عید میلاد مبارک
۱۶۸	فصل بیست و سوم: ساحل رو به باد
۱۶۹	فصل بیست و چهارم: منافع
۱۷۵	فصل بیست و پنجم: بعدالحریر
۱۷۶	فصل بیست و ششم: شهسواران و ملازمت
۱۸۰	فصل بیست و هفتم: شهسواران و ملازمت
۱۸۵	فصل بیست و هشتم: آنچه در دنیا از دنیا نیست
۱۹۰	فصل بیست و نهم: آنچه وارد می شود استجاب هم بر آن

فهرست

۱۱	یادداشت مترجم
۲۱	ریشه شناسی
۲۳	گلچین
۳۹	موبی دیک
۷۴۵	درباره موبی دیک
۷۶۷	موبی دیک به منزله خط رحیل
۱۱	فصل اول: غروب آفتاب
۱۲	فصل دوم: شامگاه
۱۳	فصل سوم: باس بخش نخست
۱۴	فصل چهارم: نیم شب سیه گاه کشتی
۱۵	فصل پنجم: موبی دیک
۱۶	فصل ششم: سفایر وال
۱۷	فصل هفتم: سر و گوش کرا
۱۸	فصل هشتم: چهارم نقشه
۱۹	فصل نهم: پنج شهادت نامه
۲۰	فصل دهم: ششم حسیات
۲۱	فصل یازدهم: هفتم یورباناف
۲۲	فصل دوازدهم: هشتم نخستین قایق افکنی به آب
۲۳	فصل سیزدهم: نهم: کفاله

به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

یادداشت مترجم

«پرومته از بند رسته» - Prometheus Unbound - عنوان مقاله‌ای است از کارلوس فوئنتس درباره موبی دیک، که ترجمه آن در پایان آمده است. این عنوان ناظر است به یکی از سه گانه اسخیلوس، که البته از این سه گانه جز پرومته در زنجیر - Prometheus Bound - بر جای نمانده است. پرومته از بند رسته را پرسی شلی از شاعران بزرگ رمانتی سیست در قرن نوزدهم جهد می کند که احیا کند و حاصل آن نمایشنامه‌ای می شود با همین عنوان، و اصطلاحاً "closet drama" - نمایشنامه مجلسی، یعنی خاص خواندن و نه اجرا کردن. به نظر چنین می آید که فوئنتس، با اختصاص این عنوان به مقاله اش، به کنایه یا غیرمستقیم موبی دیک را تراژدی می داند. اتفاقاً در خود مقاله هم آخاب را قهرمان تراژیک می نامد، هم به سبب غرور بیش از اندازه اش و هم به دلیل عظمتش و فراروی از محدوده های آدمی. این نکته آخر، آخاب را با پرومته قرین می کند و جالب اینکه خود ملویل، دست کم سه بار در رمان، وی را با پرومته قیاس می کند. منتقدان دیگری هم درباره تأثیر تراژدی بر این رمان سخن گفته اند.

شیوه های روایت مستعمل در این رمان گواه این مدعاست. از آن جمله می توان به شیوه یا صناعت نمایشی (dramatic technique) در دو فصل سی و ششم و چهلم اشاره کرد که صحنه آرایی هم دارد، یا حدیث نفس (sololique) در فصل های سی و هفتم تا سی و نهم. و در این معنا حتی می توانیم اسماعیل را با

هماوازان (chorus) تراژدی‌های یونان باستان قیاس کنیم، که دربارهٔ آدم اول رمان و همینطور هم دیگر آدم‌های مؤثر در این رمان اظهار نظر می‌کند. به همین سبب، اسماعیل گاهی ناظر (observer) است، گاهی لحن کلامش فلسفی است، گاهی لحن دیگری بر لحن اسماعیل غلبه می‌کند و خواننده حس می‌کند که اسماعیل گم است. و همین در زمانی که قرار بوده است به شیوهٔ روایت اول شخص باشد، نامتعارف به نظر می‌آید که، در عین حال، نشان از قدرت و مهارت ملویل دارد، و صدای اسماعیل را نیز به صدای جمعی تبدیل می‌کند و به گفتار هماوازان نزدیک می‌سازد.

دیگر اینکه در یکی از فصل‌های آغازین رمان، با عنوان «کشتی»، پیداست که ملویل قصد خلق قهرمان تراژدی دارد.

در بین ایشان [کوییکرها] هستند مردانی که نام‌های توراتی دارند... و از همان اوان کودکی ثعلبه و ثعلبه‌گویی‌های خاص کوییکرها در وجودشان عجین می‌شود و چون بزرگ می‌شوند، بر اثر ماجراجویی‌های بی‌پروا و بی‌حد و حصر، این ویژگی‌ها را... شایستهٔ شاهی چون شاه وایکینگ‌ها، یا ماجراجویی مانند ماجراجوی عاشق رومی، درهم می‌آمیزند. و در جایی که این چیزها در وجود آدمی جمع می‌شود که نیروی طبیعی شگرفی دارد و ذهنی فراخ و دلی نترس... چنین آدمی در نظر مردم یگانهٔ دوران می‌شود؛ با بُرُز و بالایی درخور صاحب شبیه تراژدی شاهان. اگر هم در عمق سرشتش چیزی باشد که به نظر نوعی ناخوشی غالب می‌آید... از منظر نمایش چیزی از منزلت او کاسته نمی‌شود. چون همین ناخوشی غالب است که تشریف تراژدی را بر قامت کسی برانده می‌کند...

این تشریف بر قامت آخاب، آدم اول رمان، راست شده است که دچار جنونی است به نام «ماخولیا» - monomania. وی - با استفاده از مصطلحات نورتروپ فرای در تحلیل نقد، دربارهٔ خصلت قهرمان تراژدی - هم heroic است و هم all too human (به ترتیب، شاید، «افلاکی» و «خاکی»)، که اولی سبب ترس می‌شود و دیگری همدلی برمی‌انگیزد.

باین حال، به نظر می‌آید که توجه به حماسی بودن این رمان در میان منتقدان بیش از عنایت به تأثیر انواع دیگر ادبی است. همچنان که گفته‌اند^۱، از ۱۹۵۰ (یعنی صد سال پس از انتشار موبی دیک) که نیوتن آروین و هنری پومر این موضوع را تا اندازه‌ای به تفصیل بیان کرده‌اند، عده‌ای دیگر نیز این رمان را حماسه خوانده‌اند یا به پیوندهای آن با سنت حماسی اشاره کرده‌اند. اما، در عین حال، نسبت دادن حماسه به موبی دیک همواره توأم با احتیاط بوده است. تازه عده‌ای پا را از این هم فراتر نهاده و مدعی شده‌اند که نوشتهٔ ملویل تن به طبقه‌بندی نوعی نمی‌دهد.

از قرار معلوم تنها منتقدی که موبی دیک را نخست بار، بی‌هیچ احتیاط و تردیدی، به طور مفصل و مبسوط در قالب رمان حماسی (epic novel) بررسی کرده است، استاد بزرگوارم کریستوفر استن است و می‌توان گفت تا ۱۹۹۶، که تاریخ چاپ کتاب ارزشمند اوست^۲، پژوهشگر دیگری دربارهٔ حماسه‌انگاری نوشتهٔ ملویل اینگونه جهد نکرده است و، به اقوی احتمال، تا به امروز همتا ندارد.

۱. پژوهشگرانی که به موضوع حماسه در موبی دیک پرداخته‌اند، اندک‌شمارند. به این معنی که - علاوه بر نیوتن آروین (Newton Arvin) در فصلی از کتاب خود (Herman Melville)، که «وال» نام دارد، و هنری پومر (Henry Pommer) در فصلی از *Milton and Melville*، با عنوان «Poetic and Epic Influences of *Paradise Lost*»، در دو مقالهٔ دیگر به حماسی بودن موبی دیک اشاره کرده‌اند:

1. Lord's «The Ivory Pequad and the Epic of Illusion.»

2. McWilliam's «Till a Better Epic Comes Along.»

در دههٔ ۱۹۷۰ هم جز در دو مقاله، آن هم به اختصار، به حماسی بودن موبی دیک اشارت نرفته است:

1. Slotkin's «Moby Dick: The American National Epic.»

2. Rosenberry's «Epic Romance: Moby-Dick.»

به نقل از یادداشت‌های مربوط به فصل اول کتاب استادم کریستوفر استن که مشخصات آن در پانویس بعدی می‌آید.

۲. این هم مشخصات کتاب استادم: